



شهر پیامبر، تأملی بر ساختار شهر در نخستین سال‌های پس از اسلام

آرزو علیخانی^۱ ID، سید مهدی خاتمی^۲ ID*

^۱ گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، alikhani.arezu@gmail.com
^۲ (نویسنده مسئول) گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، s.khatami@modares.ac.ir

چکیده

ساختار شهرها از زمان پیدایش اولین شهرها تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. با گذشت زمان این عوامل دستخوش تحول و دگرگونی‌هایی شده‌اند. تلاش در راستای رسیدن به الگوی مناسبی از شهر اسلامی که بتواند پاسخگوی نیازهای جامعه‌ی امروز باشد، به عنوان یکی از دغدغه‌های پژوهشگران حوزه‌ی شهرسازی و اسلام‌شناسی در دهه‌های اخیر مطرح شده است. شناسایی ویژگی‌های شهر اسلامی در زمان پیامبر (ص) به عنوان بنیانگذار دین اسلام، می‌تواند به شناسایی این الگو کمک شایانی کند. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است و روش تطبیقی - تاریخی و به بررسی نمونه‌هایی از شهرهای اولیه تاریخ اسلام همچون مکه و مدینه پرداخته شده است. مطالعات پیشین نشان می‌دهد، شهر در زمان پیامبر بیشتر از آنکه با اجزای کالبدی شناخته شود، با عملکرد اجزای خود خصوصاً مسجد شناخته می‌شد. استفاده از شیوه تخطیط به منظور تقسیم زمین، روشی است که منجر به شکل‌گیری اصل سلسله مراتب فضایی و قلمرو در این شهرها شده است. مسجد نیز به لحاظ عملکردی، با تبعیت از شیوه تخطیط، به صورت سلسله مراتبی و با الگوی فضای باز برای اتفاقات و رویدادهای شهری شکل می‌گیرد و در این دوران به عنوان مهم‌ترین فضای شهری عمل می‌کند و البته در دوره‌های بعدی پس از پیامبر اکرم (ص) - شاهد فروکاست اهمیت مسجد به جنبه کالبدی آن هستیم.

اهداف پژوهش:

۱. شناسایی ویژگی‌های شهرهای اسلامی در دوران اولیه اسلام به‌ویژه در زمان پیامبر (ص).
۲. بازشناسی عوامل مؤثر در تکوین حیات شهری در قرن اول هجری.

سوالات پژوهش:

۱. مصادیق شهرسازی در شهرهای اولیه اسلام در زمان پیامبر (ص) چه بوده‌اند؟
۲. دین اسلام چگونه بر ساختار شهر در دوره پیامبر (ص) تأثیرگذار بوده است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۲

دوره ۱۸

صفحه ۳۱۹ الی ۳۳۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۲/۲۴

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

شهر اسلامی،
شهرسازی دوره پیامبر،
شیوه تخطیط.

ارجاع به این مقاله

علیخانی، آرزو، خاتمی، سید مهدی. (۱۴۰۰). شهر پیامبر، تأملی بر ساختار شهر در نخستین سال‌های پس از اسلام. هنر اسلامی، ۱۸(۴۲)، ۳۱۹-۳۳۴.



[dori.net/dor/20.1001.1
173570814001842190](https://doi.org/10.22034/IAS.173570814001842190)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2021.292552.1641](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.292552.1641)

مقدمه

شهر و شهرسازی از مقوله‌هایی است که همواره تازگی خود را به‌عنوان یک موضوع مورد مطالعه حفظ کرده است؛ زیرا ارتباط نزدیکی با عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. شهرسازی در جهان اسلام نیز دارای سیر تحول و فراز و فرود خاصی بوده است. تاکنون در رابطه با بررسی ویژگی‌های شهرهای اسلامی مطالعات زیادی صورت گرفته است و هریک از منظری به بررسی این ویژگی‌ها پرداخته‌اند. آنچه مسلم است در رابطه با ساختار شهر به‌طور کلی و ویژگی‌های شهرسازی در این دوره در مطالعات فارسی‌زبانان نمونه کمتری وجود دارد که بتواند به‌طور جامع به موضوع نگرسته و منجر به شکل‌گیری الگویی در ساختار شهرسازی ایران اسلامی شود. شهرها نماد انسان‌هایی هستند که در آن زندگی می‌کنند و بررسی ویژگی‌های هر دوره از شهرنشینی به فهم ایدئولوژی و عقاید ساکنان آن کمک می‌کند؛ بنابراین بررسی ویژگی‌های شهر اسلامی نیز وابسته به شناخت ایدئولوژی حاکم بر آن است و نمی‌توان آن را به ویژگی‌های کالبدی یا جغرافیایی خلاصه کرد. مطالعه اینگونه شهرها باید از نخستین نمونه‌های آن شروع شود؛ چراکه در نخستین سال‌های ظهور و بروز اسلام، پیامبر(ص) مهم‌ترین و خالص‌ترین اقدامات را در رابطه با ترویج و گسترش این دین انجام داده‌اند و این اقدامات اولین تأثیرات را بر شهرهای نخستین اسلام گذاشته است.

پژوهش‌های صورت‌گرفته در رابطه با شهر اسلامی در دوران اولیه به چند دسته از مطالعات منتج می‌شود. برخی از آن‌ها به بررسی ویژگی‌های هر شهر به صورت مجزا اعم از تاریخچه، ساختار و اجزای هر یک از شهرها فارغ از مقایسه و تحلیل آن‌ها پرداخته‌اند. از این گروه می‌توان به مطالعات سید باقر نجفی (۱۳۶۴) در کتاب مدینه‌شناسی اشاره کرد که به اجزای مختلف شهر مدینه و چگونگی اثرگذاری دین اسلام بر ساختار این شهر پرداخته است. مقاله محمدپور و جان‌احمدی (۱۳۹۵) با عنوان «عوامل مؤثر بر گسترش فسطاط تا تأسیس قاهره» نیز به علل تشکیل فسطاط و چگونگی رشد و توسعه آن پرداخته است. این مقاله نیز به‌رغم تصویری که از شهر فسطاط به دست می‌دهد، نمی‌تواند به‌طور کلی نماینده ویژگی‌های سایر شهرهای نخستین باشد. در گروه دوم ویژگی‌های شهر اسلامی بدون توجه به دوره‌های تاریخی متناظر با هر یک آورده شده است. از جمله مطالعات این دسته می‌توان به مقاله آذرینوشه (۱۳۹۲) اشاره کرد که با وجود پرداختن به چگونگی شکل‌گیری شهرهای اسلامی به شهرهایی که پیامبر(ص) مستقیماً بر آن‌ها تأثیرگذار بودند، اشاره نکرده و بیشتر به علل و چگونگی پیدایش شهرها پرداخته است. پژوهش فراهانی و رفیعیان (۱۴۰۰) نیز با روش تحلیلی-تاریخی به ریشه‌یابی شکل‌گیری فضاهای باز شهری، هندسی و بزرگ‌مقیاس در تاریخ شهرهای ایرانی-اسلامی پرداخته و فقط شهرهای ایرانی را بررسی کرده است. در گروه سوم اصول شکل‌گیری شهر اسلامی نه بر مبنای نمونه‌های تاریخی؛ بلکه براساس آمیزه‌های دینی، احادیث و روایات معرفی شده است؛ به‌عنوان مثال، مطالعه سجاذزاده و موسوی (۱۳۹۳) با تکیه بر آیات و روایات به ابعاد ماهوی و وجودی شهر اسلامی پرداخته و به شواهد و مستندات تاریخی کمتر توجه داشته است. این مقاله ارزشمند، هرچند مصداق‌هایی کالبدی برای هر یک از ابعاد آورده است، لیکن تأثیر ادوار تاریخی در چگونگی کاربرد این اصول مشخص نیست. کرمی (۱۳۹۲) در مقاله شریعت شهر اسلامی نیز فارغ از در نظر گرفتن دوره‌ای خاص، ویژگی‌های شهر اسلامی را از دریچه اصول و مؤلفه‌های شریعت شهر اسلامی و از نگاه جهان‌بینی توحیدی بررسی کرده است. مطالعات نشان می‌دهد، با وجود آگاهی داشتن از اهمیت نقش

پیامبر(ص) در شکل‌دهی به اسلام و شهر اسلامی، به‌طور مستقیم به این موضوع پرداخته نشده و می‌توان با تکیه بر مطالعات صورت گرفته و با نگاهی تاریخی و مختص به دوره پیامبر(ص)، ویژگی شهرهای اسلامی را بررسی کرد.

این مقاله تلاش دارد از طریق بررسی ویژگی‌های شهرهای اولیه اسلام در زمان پیامبر و تطبیق آن‌ها، به ارائه مصادیق شهرسازی در آن دوره و چگونگی تأثیرگذاری اسلام بر ساختار شهر در دوره پیامبر بپردازد؛ بنابراین شهرهایی که پیامبر(ص) به‌طور مستقیم بر آن‌ها اثرگذار بوده‌اند، به‌عنوان نمونه‌های موردی، بررسی شده‌اند تا از این طریق بتوان به ویژگی‌های شهر مدنظر پیامبر(ص) دست یافت. با این توضیحات، شهر مکه به‌عنوان نخستین شهر و محل ظهور اسلام بررسی شده است؛ لیکن به دلیل کوتاه بودن حضور پیامبر(ص) در این شهر، کمتر می‌توان نمودهایی از اقدامات ایشان را یافت. شهر مدینه به دلیل تأثیر مستقیم پیامبر(ص) بر شکل‌گیری حکومت اسلامی در آن به‌عنوان اصلی‌ترین نمود شهرسازی در زمان پیامبر(ص) قابلیت تدقیق ویژگی‌های ساختار و عناصر شهری را دارد؛ بنابراین بخش اعظم این مقاله به این شهر اختصاص یافته است. سایر شهرها نظیر کوفه، بصره و فسطاط نیز به این دلیل که جزو اولین شهرهای مسلمین در بیرون از شبه جزیره عربستان بوده‌اند و تأثیرپذیری بیشتری از اقدامات پیامبر در زمان حیات ایشان داشته‌اند، بررسی شده‌اند. این پژوهش با هدف شناسایی ویژگی‌های شهر اسلامی با تأکید بر شهرهایی که پیامبر به‌طور ویژه بر آن‌ها اثرگذار بوده‌اند، به بررسی این ویژگی‌ها در شهرهای نخستین جهان اسلام پرداخته است. پژوهش حاضر از نوع توسعه‌ای بوده و زیرمجموعه پارادایم کیفی قرار می‌گیرد. منطق حاکم بر پژوهش، منطق استفهام است. این پژوهش در حوزه مطالعات کیفی قرار گرفته و با راهبرد تحلیل گفتمان در پی توصیف و فهم روابط و ساختارهای موجود در شهرهای اولیه اسلامی و فهم چگونگی تأثیرگذاری اقدامات پیامبر(ص) بر شکل شهر است. شیوه‌های گردآوری اطلاعات در این پژوهش، از نوع مطالعه اسناد، کتب و مقالات به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای است.

۱. گستره جغرافیایی و تاریخی اسلام در زمان پیامبر (ص)

اسلام از نظر اکثر پژوهشگران به‌عنوان مذهبی شهری شناخته شده که از شیوه اجتماعی در پرستش و عبادات پیروی می‌کند. پیدایش اسلام نه‌تنها به‌عنوان یک دین متکی بر دستورالعمل‌های مذهبی؛ بلکه به‌مثابه یک جهان‌بینی برای شکل بخشیدن به جامعه، در شبه‌جزیره عربستان و به‌طور خاص در شهر مکه تولد می‌یابد (حبیبی، ۱۳۸۳: ۳۹)؛ بنابراین در نبود بنیان‌های فکری شکل‌دهنده به شهرهای امروزی که منجر به بروز بسیاری از مشکلات برای شهرها و ظهور شهرهای ناپایدار شده است، می‌توان با مرور و درس‌آموزی از نخستین شهرهایی که در دوره اسلامی شکل گرفته‌اند، به اصولی برای هدایت شهرهای امروزی رسید.

در آغازین سال‌های قرن هفتم میلادی، آیین اسلام از شبه جزیره عربستان ظهور کرد. شیوه اصلی زندگی ساکنان شبه‌جزیره عربستان کوچ‌روی و صحراگردی بود؛ اما به‌واسطه همجواری با تمدن‌های کهن و پیشرفته آن دوره و پیوندهای تجاری با هند، ایران و شام، تجارب محدودی در زمینه شهرنشینی به دست آورده و به کار بسته بودند (عرفانی و نویدپور، ۱۳۸۷ به نقل از کونثو، ۱۳۸۲: ۳۸-۴۳). چنین آشنایی و درک نسبی از مفهوم شهر بود که در سازماندهی و نظام‌بخشی سریع به سکونتگاه‌های تحت سلطه خود، اعراب را یاری رساند. از مهم‌ترین این اقدامات، تلاش‌های شخص پیامبر(ص) بود که به‌طور مستقیم در هدایت و راهبری فعالیت‌های شهرسازانه اعراب تأثیرگذار بود

(حکیم، ۱۳۸۳: ۳۸، ۳۱). به‌رغم ظهور اسلام در شهر مکه، دوران شکل‌گیری شهر اسلامی را می‌توان از انتخاب مدینه به‌عنوان مرکز حکومت اسلامی توسط شخص پیامبر تا بنیان‌گذاری بغداد و سامره به‌عنوان نخستین شهرهای آرمانی اسلامی دانست. نخستین فرآیند معماری که از عربستان و از خود پیامبر(ص) آغاز شد، منجر به شکل‌گیری پارامترهای مذهبی، اجتماعی، اقلیمی و هندسی در آن سرزمین گردید. این دوره از بعثت پیامبر یعنی ۱۳ سال پیش از اولین سال هجری قمری آغاز و در سال ۱۱ هجری قمری متقارن با وفات پیامبر خاتمه یافت. اما اثرات آن به‌طور مستقیم تا آغاز عصر امویان در سال ۴۲ هجری قمری ادامه یافت.

پیامبر اسلام(ص) برای احیاء، حفاظت، توسعه فرهنگ و اقتصاد در سیاست، از سوی بزرگان و نمایندگان مردم یثرب به آن شهر فراخوانده شد و با تدوین نخستین قانون اساسی مکتوب اسلامی، زمینه انجام اقدامات اداری گسترده را فراهم کرد. با ورود پیامبر(ص) به یثرب شهرسازی اسلامی آغاز شد. همزمان با این حضور بود که حرکت از مراکز جمعیتی^۱ به معنای شهر بدون تأسیسات تمدنی و دولتی به شهر^۲ به معنی مکانی دارای تأسیسات سیاسی و اداری و تشکیلات دولتی و نظارت حکومتی صورت گرفت. مجموعه یک دهه اقدامات پیامبر(ص) موجب توسعه الگوی فراگیر شهر در امپراطوری اسلامی شد که در قرن‌های بعد منجر به ایجاد صدها شهر اسلامی گردید. پس از مکه و مدینه به‌عنوان نخستین شهرهای شکل‌گرفته توسط پیامبر، فتح سایر کشورها توسط مسلمانان صورت گرفت. آنان پس از فتح شهرهای بزرگ از سکونت در آن‌ها خودداری کرده و با برپایی دارالحجره‌هایی، به‌گونه‌ای که انگار قصد بازگشت به شبه جزیره را ندارند، به تحکیم پایه‌های حکومتی خود در این سرزمین پهناور پرداختند. اعراب سکونت در کوفه را به تیسفون، فسطاط را به اسکندریه و قیروان را به کارتاژ ترجیح دادند (عرفانی و نویدپور، ۱۳۸۷ به نقل از جعید، ۱۳۷۲: ۱۸۰). در ادامه ضمن بررسی نمونه‌هایی که در این دوران شکل گرفته‌اند، به مهم‌ترین ویژگی‌های شهرسازی این دوران پرداخته می‌شود. با توجه به نبود مستندات دقیق در رابطه با شهرهای عنوان‌شده، با تکیه بر شواهد و توصیفات موجود در کتب مختلف به شناخت ویژگی‌های هر یک پرداخته شده؛ لیکن در برخی موارد نظیر مکه دسترسی به اطلاعات اولیه قابل تکیه نیز میسر نشده؛ لذا به ارائه اطلاعات کلی بسنده شده است.

۲. ویژگی‌های شهرهای اسلامی در دوران اولیه

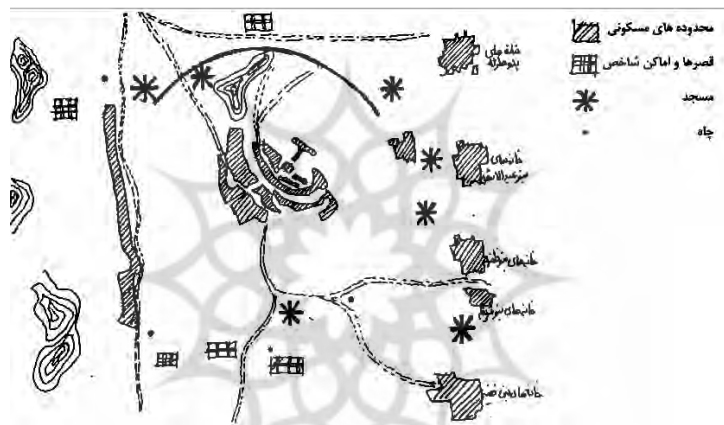
مکه، مقدس‌ترین شهر مسلمانان و زادگاه اسلام و پیامبر اکرم(ص) است. بگه، بلدالحرام، بلدالامین و ام‌القری از نام‌های دیگر آن است (سوره آل عمران، آیه ۹۶. سوره تین، آیه ۱-۳. سوره انعام، آیه ۹۲. جعفری، ۱۳۷۱: ۲۲۲-۲۰۵). ساختار شهر در سال‌های نخست پس از ظهور اسلام تغییر چندانی نداشت؛ چراکه پیامبر در نخستین سال‌ها به لحاظ نظری با چالش‌های بنیادینی مواجه بود. این چالش‌ها منجر به ترک مکه به مقصد یثرب شد. پیامبر پس از ده سال دوری از مکه در سال ۱۰ ه.ق به زادگاه خود بازگشت و به بازسازی مکان‌های مقدس پرداخت. از جمله اقدامات پیامبر در این شهر می‌توان به وحدت‌بخشی به فضای اختصاصی مراسم مذهبی از لحاظ کالبدی و برقراری پیوند بین فضاهای مختلف اعم از کعبه، چاه زمزم، مقام حضرت و احداث مسجدالحرام اشاره کرد. حضور پیامبر از لحاظ بصری و دید منظری منجر به پدید آمدن تغییری مفهومی و معنی‌دار شد به این ترتیب که شهر کفار وابسته به بت‌پرستان و بدون ارتباط

^۱ town

^۲ City

برادرانه، به شرایط شهری با مرکزیت زیارتی و متعلق به تمامی اقوام عرب تغییر پیدا کرد. با توجه به لزوم تغییرات بنیادین در شهرها برای تناسب آن‌ها با شیوه زیست و انگاره‌های ذهنی مسلمانان، پیامبر(ص) اقدام به تغییر محل سوق‌های مدینه (بازار مکاره)، انتقال آن‌ها از حاشیه به داخل آن و جدا کردن تجارت از نماز کردند. با توجه به مدت کوتاه حضور پیامبر در شهر مکه، کمتر بنایی در این شهر ساخته شده است. اقدامات پیامبر در این شهر بیشتر به تولید محتوای ایدئولوژیکی و نظری معطوف شده است.

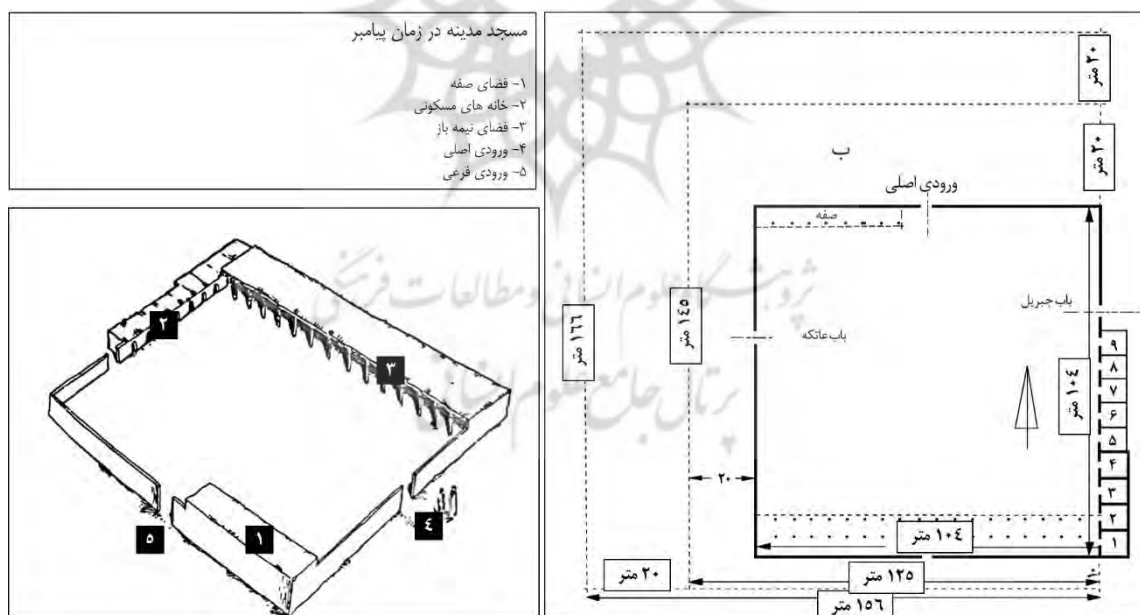
دومین شهر که پیامبر(ص) به‌طور مستقیم بر شکل‌دهی به آن مؤثر بودند، مدینه است. هیچ نشانه‌ای از تمرکز ساختار سیاسی و اجتماعی و تقسیم کار و مشارکت در یثرب وجود نداشته و سخن گفتن از شهر یثرب در آستانه ظهور اسلام، فاقد توجیه کافی است؛ بنابراین یثرب، شهر واحه‌ای با خانه‌های فراوان و جدا از هم بود که قبل از ورود پیامبر، چهره شهری آن جنبه مسلط نداشت و نقش پیامبر در ساختن شهر کارساز بود (جعید، ۱۳۷۲: ۲۳۸).



تصویر ۱: پراکندگی محلات و عناصر شهری در مدینه براساس تاریخ و آثار قرن اول هجری قمری (منبع: بازترسیم براساس نجفی، سید محمد باقر؛ مدینه‌شناسی؛ ۱۳۶۴)

مدینه در عصر رسول خدا (ص) از محله‌های متعددی تشکیل شده بود و در هر محله افراد وابسته به یکی از شاخه‌های قبایل سکونت داشتند (محمد عبدالستار عثمان، بی تا: ۵۳). پیامبر(ص) خود مسئولیت توزیع زمین و اسکان مردم را در مدینه بر عهده داشت. طرح‌های آبادانی مدینه هم‌چنان ادامه یافت تا بومگاه‌های پراکنده و جدا از هم به یکدیگر متصل شدند و بافت مسکونی نوینی شامل خانه‌های مسکونی و بازار در اطراف مسجد شکل گرفت که مسجدالنبی در هسته مرکزی و قلب آن قرار داشت. اقدامات نخستین پیامبر(ص)، انسجام و وحدت در مدینه ایجاد کرد و همزمان با حذف محدودیت‌هایی طبقاتی، بازارها، میداين و فضاهای عمومی را در ارتباطی معنوی با خود قرار داد. پیامبر شهری را احداث می‌کند که وظایف مذهبی و آرمان‌های سیاسی- اجتماعی دولت اسلامی در آن تحقق می‌یابد؛ چراکه شهر برای دولت اسلامی به‌عنوان یک ضرورت تلقی می‌گردد تا امکان تحقق فرامین و اجرای مقررات صادره از سوی دولت اسلامی فراهم آید. این امر فقط با در نظر گرفتن نقش مهم جامعه شهری در دولت اسلامی محقق می‌شود؛ بنابراین با پیش‌فرض موارد فوق، زمین نیمه‌برهنه مدینه پس از استقرار پیامبر و ساخت مسجد جامع، تبدیل به یک مرکز شهری می‌شود و تراکم مردم در اطراف آن منجر به شکل‌گیری شهر به معنای واقعی آن می‌گردد (اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۳-۲۱).

ساخت مسجد، نخستین فرآیند معماری است که از عربستان و از شخص پیامبر اکرم (ص) آغاز شد و عوامل مذهبی، اجتماعی، اقلیمی و هندسی در آن لحاظ گردید. مسجد در دوران پیامبر بیشتر از اینکه عنصری کالبدی و ساختاری باشد، عنصری مفید به لحاظ عملکردی است. مسجد در این زمان کاملاً برهنه و بی‌زیور در اختیار امت بود که به‌وسیله امکانات معمولی محیطی که از لحاظ فنی قابل دسترس بود، به رفع نیازهای کیش و آیین جدید و اداره جامعه می‌پرداخت (عرفانی و نویدپور، ۱۳۸۷: ۱). نقشه مسجد، مربعی به ضلع ۵۰ متر بود که معماری‌اش در آن زمان، ما را از مصالح و لوازم موجود آگاه می‌سازد، میزان قابلیت‌های فنی و نیازهای محیطی انسانی را روشن می‌کند و معرف نوعی از معماری مجرد و غیرمادی بادیه‌نشینان است. پیامبر (ص) مسجد را در زمینی مسطح و هموار در کنار قبیله بنی‌نجر خَزرج تأسیس کرد. ابعاد نخستین مسجد در حدود ۶۳ متر در ۷۳ متر^۳ بود و پس از غزوه، خیبر به ۱۰۴ متر در ۱۰۴ متر گسترش یافت^۴ (سمهودی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). پایه‌های دیوار مسجد حدود سه متر با سنگ و بقیه با خشت و گل و ستون‌های آن از تنه درختان خرما و سقف آن از حصیر بود. در آغاز قبله مسجد به سوی بیت‌المقدس طراحی شد ولی پس از نیمهٔ رجب سال دوم، قبله آن به سوی خانه کعبه تغییر یافت (منتظرالقائم، ۱۳۸۸: ۱۲۱). پیامبر (ص) محراب مسجد را بدون هیچ‌گونه انحرافی از جهت قبله تعیین کردند. رسول‌الله (ص) در سوی جنوب شرقی و شرق مسجد از خشت و گل و تنه خرما حجره‌هایی برای خود بنیان گذاشت. سپس هر کدام از مهاجران و صحابه را در اطراف مسجد سکونت داد، خانه‌ها و کوی‌های مهاجران را مشخص فرمود و به هریک از یاران خود زمینی را اختصاص داد (یاقوت حموی، الجزء الخامس، ۱۳۷۷: ۸۶)



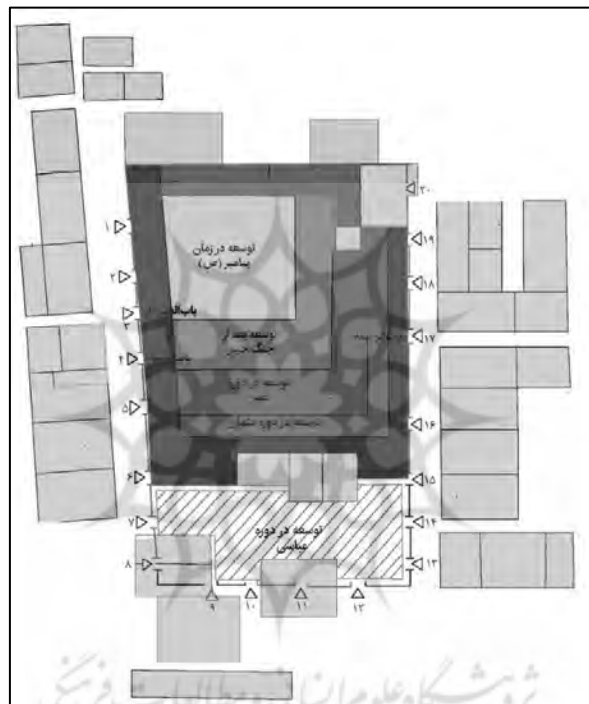
تصویر ۲: کانسپت اصلی طرح مسجد به عنوان فضای باز میان خانه‌ها، (منبع: بازترسیم بر اساس

[http://otraarquitecturaesposible.blogspot.com/۲۰۱۱/۰۳/typologies-in-islamic-architecture-\(۱\).html?m=۱](http://otraarquitecturaesposible.blogspot.com/۲۰۱۱/۰۳/typologies-in-islamic-architecture-(۱).html?m=۱)

^۳ معادل ۶۰ در ۷۰ ذراع.

^۴ معادل یک صد ذراع در یکصد ذراع.

مسجدالنبی تا مدت‌ها به همین صورت و با همان مساحت باقی ماند. در بخش داخلی در کنار محل تکبیر و اذان، در زمان حیات رسول اکرم (ص) - پس از بازگشت از خیبر ستون‌هایی ساخته شد؛ چراکه مسجد کوچک و تنگ بود و گنجایش نمازگزاران را نداشت؛ لذا حضرت آن را توسعه داد، با سنگ و گل، بنای آن را بازسازی کرد و این قسمت بر بخش نخست افزوده شد. حدود آن در طول و عرض، به صددرصد یا به صدوپنجاه در صدوپنجاه متر می‌رسید. سپس نوبت به خلیفه سوم عثمان رسید و با همان روش از سمت جنوب و شمال و غرب به توسعه مسجد دست یافت. عثمان در طرح توسعه مسجد با مشکلی مواجه نگشت و محراب را به همان محراب عثمانی معاصر در قسمت سنگ‌چین باب‌السلام جابه‌جا کرد (حجتی، ۱۳۷۷: ۱۳۷-۱۱۹).



تصویر ۳: توسعه مسجد مدینه در ادوار مختلف، (منبع:

<http://www.alqarya.net/vb/showpost.php?p=۲۳۶۰۲&postcount=1>)

مسجد در زمان پیامبر فضایی باز در میان خانه‌ها بوده است که در دوران مختلف توسعه یافته است. مسجد در این زمان بیش از آنکه کالبدی شاخص در شهر باشد، فضایی است که به لحاظ عملکردی ویژه است؛ فضایی که حجره‌هایی برای سکونت پیامبر (ص) و برخی از همسران آن حضرت، متصل به آن ساخته شده است. پس از مدتی نیز در همان زمان پیامبر، برخی از صحابه که توانایی داشتند، حجره‌ای در کنار مسجدالنبی ساختند که علاوه بر دری که به سمت بیرون باز می‌شد، دری نیز به سمت مسجد داشتند. در وقت نماز، صاحبان حجرات از این درها وارد مسجد می‌شدند و دوباره از همان در به خانه‌هایشان برمی‌گشتند. در همه خانه‌ها در این دوران رو به سوی مسجد باز می‌شده است. پس از واقعه سدالابواب^۵ است که پیامبر (ص) دستور می‌دهند تا همه درها جز درب خانه علی (ع) به سوی مسجد بسته

۵. واقعه‌ای در سال سوم هجری که طی آن در تمامی حجره‌هایی که به سمت مسجدالنبی باز شده بود، جز خانه علی (ع) بسته و منجر به اعتراض صحابه شد. پیامبر در جواب اعتراض معترضان فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! من این درها را نبستم و نگشودم، بلکه خداوند آنها را بست.»

شود تا شئونات مسجد حفظ گردد (تمیمی، ۱۳۸۸: ج ۲/ ۱۸۰، حدیث، ۱۳۹۰: ۵۲۰ و اربلی، ۱۳۸۰: ۱/ ۴۵۱، قمی، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

از آثاری که از مسجد قدیم نبوی باقی مانده است، محراب‌هاست. در زمان رسول خدا (ص) و نیز از زمان ابی‌بکر و عمر، محرابی در مسجد وجود نداشت. در آغاز امر ستونی از نخل و درخت خرما به‌عنوان نشانه قبله، نصب شده بود. اولین کسی که در کنار محل نماز رسول خدا (ص) محراب نهاد، عمر بن عبدالعزیز بود که همزمان با بازسازی مسجد، محراب را بنیاد نهاد. مسجد اگرچه در این دوره از ساده‌ترین مصالح ساخته شده و بی‌پیرایگی و سادگی خاص خود را داشت؛ اما حیاط آن محل وضع دستورات و منبر آن محل نصب و عزل مسئولین حکومتی بود. تکرر مساجد در مقیاس محلی و کوچک بودن آن‌ها باعث می‌شد نیاز به فضایی برای برگزاری مراسم مذهبی و سیاسی در مقیاس شهری احساس شود که مسجد النبوی این نقش را بازی می‌کرد. مصلی، فضایی باز در بیرون شهر بود که به‌واسطه رفتن پیامبر در دو عید قربان و غدیر برای نمازگزاران (مصلای بنوسلیمه) و همچنین برگزاری نماز باران در فضای باز شکل گرفته و برای نمازهایی که تعداد کثیری از مسلمانان در آن شرکت داشتند، پاسخگو بود (حکیم، ۱۳۸۱: ۱۸۳) و هیچ‌گونه کالبد یا تزئینات خاصی نداشت.

ویژگی‌های شهر اسلامی در زمان پیامبر (ص) را نمی‌توان تنها با ویژگی‌های کالبدی آن سنجید و اهمیت الگوی آرمانشهر اسلامی در سازه‌های مادی شهر نیست؛ بلکه پیامبر با اقداماتی که در راستای ایجاد انسجام و وحدت در مدینه انجام دادند، محدودیت‌های طبقاتی را حذف کرده و بازارها و فضاهای عمومی را در ارتباطی معنوی با خود قرار دادند. بخش درخور توجهی از فضای مدینه به بازارهای پراکنده اختصاص یافته بود (پیرنیا، ۱۳۷۶: ۴۶). پیامبر (ص) بازارهای متعدد مدینه را با هدف سیاسی، اقتصادی و تأمین امنیت در یک نقطه متحد و با نظام بازرسی بازار را کنترل کرد. ایشان بر تأسیس بازار مدینه تأکید داشتند؛ لذا تردیدی نیست که در کنار مسجدالنبوی که محل تجمع انسان‌ها و نمازگزاران بوده، ایجاد شد.

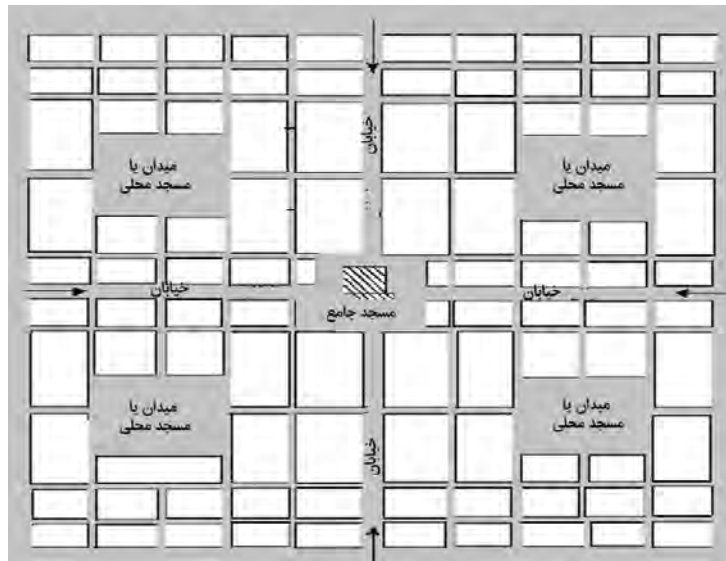
پس از اینکه پیامبر با ورود به مدینه، مسجد مدینه را به‌عنوان یک فضای پرملکرد و به‌عبارتی قلب تپنده شهر ایجاد کرد، قبایل را در محلات و اطراف مسجد سامان داد و برای هر محله مسجدی بنا گردید. بدین ترتیب مردم هر محله به‌صورت شبکه‌ای، از طریق مساجد با مسجد اصلی شهر که در مرکز شهر واقع بود، مرتبط بودند. مسجد جامع مدینه با وظایف متعدد امنیتی، قضایی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی مرکز شهر جدید پایتخت اسلامی بود (ابن رومی، ۱۹۹۸: ۶۵). در کنار محل سکونت پیامبر (ص) در مسجدالنبوی، خانه‌هایی جهت اسکان نمایندگان و هیئت‌های نمایندگی سایر ممالک، میهمان‌خانه، انبار خوراک سال، محل نگهداری بیت‌المال، خوابگاه اهل صفة، محل سلاح و... قرار داشت. این مجموعه نمونه کوچک و اولیه قصبه، مرکز اداری شهر در شهرهای اسلامی شد.

پس از مدینه، شهر بصره در صدر اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است. بصره، اولین شهر نوبنیاد اسلامی، پایتخت و بزرگ‌ترین شهر عراق است که در سال ۱۲ ه.ق و ۶ سال پس از وفات پیامبر (ص)، ساخته شد. بصره در ابتدا، اقامتگاه

سپس پیامبر این آیات را خواند (مجلسی، ۱۴۰۳: ق، ص ۲۷) «وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ مَا ضَلَّٰ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَىٰ... إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحَىٰ يوحى.» (سوره نجم، آیات ۱-۴)

زمستانی سپاهیان بود که به صورت موقت ساخته شده بود و مصالح رایج در آن نی بود. در سال ۱۷ هجری قمری منازل واقع در شهر، طعمه حریق شد و به دستور عمر خانه‌هایی از گل و خشت خام جایگزین آن شد (مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷: ۱۹۷). در این شهر، مسجد و دارالعماره در مرکز شهر و اقامتگاه فرمانده کل قوا، زندان و ایوان در مقابل مسجد و دارالعماره قرار داشت (حکیم ۱۳۸۱: ۱۹۴). عتبه در آغاز، مسجد جامع را طراحی و با نی ساخت و سپس حاکم‌نشین و محله‌های مسکونی آن را پیرامون مسجد تعیین کرد و قبایل را در هر محله اسکان داد. هر محله پس از مدتی شامل مسجد، بازار، قبرستان و خانه‌هایی شد. شمار ساکنان بصره در آغاز، اندک و منحصر به جنگجویان بود؛ اما پس از فتح نواحی مجاور آن، قبایل مختلف از سراسر عراق و شبه‌جزیره عربستان به آنجا سرازیر شدند و به تدریج بر وسعت و جمعیت آن افزوده شد. از سوی دیگر چون بصره در مسیر راه تجاری ایران و شام بود و دارای موقعیت بازرگانی ویژه‌ای بود، به‌زودی رو به آبادانی نهاد، تا جایی که حاکم‌نشین عراق شد. بصره، شهر چهار گوش مشابه بابل با رشد خودانگیخته نسبی ولی برنامه‌ریزی‌شده با ساختار سه‌گانه شهر، محله و اسکله یادآور بابل بود که تقسیم اراضی در آن به شیوه تخطیط (خط‌کشی) انجام می‌شد.

پس از بصره، کوفه دومین شهری است که مسلمانان بنیان گذاشتند. این شهر نیز با رعایت سلسله‌مراتب دسترسی و فضایی طراحی و اجرا شد. مسجد این شهر نیز دارای ساختمان نبوده و احتمال وجود نمازخانه‌ای سرپوشیده و در راستای قبله که خیلی هم محکم نبوده و به آن ظله می‌گفتند، وجود دارد. بعدها سعد نمازخانه را به شکل محکم و اساسی ساخت و ستون‌های مرمر سنگی متعلق به پادشاهان ساسانی را به آن منتقل کرد؛ بنابراین در دوران اولیه اسلامی بنا وجود داشته ولی فاقد بنایی یکپارچه بوده که در آن عظمت، تکامل و هماهنگی معماری به نمایش گذاشته شود. ساختار اولیه شهر کوفه شامل سه عنصر مذهبی، سیاسی و نظامی بوده است. اما اولین جایی که تعیین و نقشه آن ترسیم شد، مسجد بود (هشام، ۱۳۷۲: ۱۱۲). در توزیع زمین‌ها از شیوه تخطیط استفاده شده و زمین‌هایی برای سکونت قبایل (خطط) جدا شده است که به قبایل فردیت می‌بخشد. محدوده مربع‌شکل وسیع و توخالی منطقه مرکزی شهر را تشکیل می‌دهد. حریم این محدوده با پرتاب تیر تعیین شد و حریم شهر به وسیله خندق از سایر بخش‌های شهر مجزا گردید. خیابان‌کشی‌هایی منظم و منشعب از این منطقه مربع‌شکل مرکزی منجر به سهمیه‌بندی شهر به مناطقی برای اسکان و استقرار قبایل شد. در واقع، شهری چهارگوش و شاید هم ستاره‌ای با خیابان‌های هندسی و منظم شکل گرفت که دارای سلسله‌مراتبی از خیابان‌های وسیع تا کوچه‌هاست که به ترتیب با نام‌های منهاج، سکه و زقاق شناخته می‌شده است. منطقه وسیع مرکزی با عملکرد مذهبی و سیاسی شامل مسجد و قصر است که از یک طرف مکان مقدس و محل و مرکز تجمع امت و از طرف دیگر مقر فرماندهی را پوشش می‌دهد. کم‌کم الگوی مدینه که عملکردهای مختلف در مسجد اتفاق می‌افتد، تغییر می‌کند و محل عبادت و محل حکومت از هم جدا می‌شود.



تصویر ۴: تخطيط شیوه تفکیک در کوفه، (منبع: باز ترسیم براساس

<https://twitter.com/ballandalus/status/۶۳۳۵۵۴۸۶۳۴۷۴۴۲۱۷۶۴?lang=fa>

در این شهر، میدانی در گستره شهر به نام رحبه، در کنار قصر و مسجد در سمت راست و در راستای قبله که جز در مواردی خاص به اشغال در نمی‌آید، وجود داشت که بیشتر فضایی مشترک برای هر دو بنا و محل برگزاری مراسم نظامی و رژه واحدها بوده است (هشام، ۱۳۷۲: ۱۲۲). سوق نیز به‌عنوان نهادی خودمختار، عنصری حیاتی در زندگی اجتماعی و جزئی از فضای عمومی شهر است. سوق مجزا از مسجد ولی در نزدیکی آن است. این فضا در کوفه آگاهانه و با طرح قبلی خاص پیش‌بینی و موجودیت آن مثل مکانش پی ریخته شده است، به صورتی که مانند بازارهایی باز، فضای گسترده و وسیع مسجد را دربر می‌گرفت، تا قصر ادامه داشت و به سوی شمال، شرق و غرب توسعه یافته بود (هشام، ۱۳۷۲: ۱۲۸).

شهر فسطاط، به‌عنوان نخستین شهر اسلامی در آفریقا، به شکل یک قلعه در دهانه استراتژیک دلتای نیل نزدیک شهر باستانی بایلیون ساخته شد. این شهر به‌واسطه اینکه در آغاز محل خیمه‌ها و خرگاه اعراب مسلمان بود، به نام فسطاط خوانده شد. عمرو بن عاص به دستور خلیفه دوم شهر را طراحی کرد و در مرکز آن در ابعاد ۲۵ در ۱۵ متر مسجد احداث شد. خانه‌های صحابه در اطراف آن ساخته شد و قبایل گوناگون مهاجر به مصر در مناطق اختصاصی خود مستقر شدند. به مرور زمان شهر توسعه یافت و خانه‌های چندین طبقه در آن ساخته شد (جان احمدی، محمدپور، ۱۳۹۵: ۲۶۱-۲۶۲). مسلمانان در شهر جدید به‌صورت قبیله‌ای مستقر شدند. این حالت اردوگاه نظامی را که قبایل عرب به شیوه‌ای خاص، قسمتی از زمین‌های تعیین‌شده را برای اقامت خود و ایجاد خانه انتخاب کردند، «خطه‌کردن» می‌گفتند. هر قبیله خطه‌ای جداگانه داشت و با کشیدن حصار آن را از خط دیگر جدا می‌کرد (۲۲-۳۲: ۱۹۹۰، Akbar, Jamel). در مقابل، در منطقه «خطه» هر چه واگذار شده، جمعی و اشتراکی است و آنچه چنین نیست، خالی اطلاق می‌شود و اینها «فداء» نامیده می‌شوند، یعنی فضاهایی که به کسی داده نشده است. در هسته شهری مالکیت اختصاصی و فردی، آشکارا در مقابل مالکیت جمعی قرار گرفته و تیول‌های شخصی در مقابل تأسیسات و خیابان‌های عمومی

آن‌ها هر کدام نامی دارند و تشریفات قانونی آن‌ها حتی قبل از آنکه همهٔ املاک اختصاصی معلوم شده باشد، به انجام رسیده است (Kubiak, Wladyslaw ۱۹۸۷. Pp ۵۸-۷۵).

۳. بررسی تأثیر ایدئولوژی اسلام بر شهرسازی در قرن اول هجری

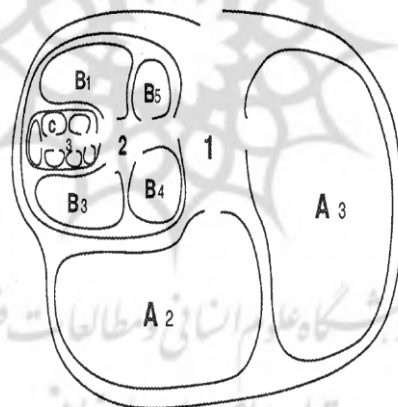
بررسی شهرهای مختلف شکل گرفته در دوران اولیه اسلامی و ویژگی‌های هر یک نشانگر تأثیرات ایدئولوژی اسلامی بر شهر و فضاهای شهری است. شهرهای معرفی شده در بخش قبل را می‌توان از جنبه‌های مختلفی با یکدیگر مقایسه کرد؛ لیکن در ادامه به مهم‌ترین تفاوت‌ها و شباهت‌های این شهرها پرداخته می‌شود تا بتوان از این طریق به ویژگی‌های شهر اسلامی متأثر از اندیشه‌های پیامبر اکرم(ص) پی برد. نوع شهرهای شکل گرفته در این دوره براساس طبقه‌بندی گرونیباوم، فضاهای موجود و ویژگی‌های مسجد در هریک از شهرها و شیوه تقسیم اراضی از ویژگی‌هایی است که در رابطه با تمامی شهرها بررسی شد. در جدول شماره یک این ویژگی‌ها به‌طور خلاصه آورده شده است.

جدول ۱: مقایسه تطبیقی شهرهای دوره اول اسلامی - (منبع نگارنده)

شهر	سال ساخت یا حضور پیامبر	نوع شهر	فضاهای اصلی موجود و شکل شهر	ویژگی مسجد	شیوه تقسیم اراضی
مدینه	۱ ه.ق	جابجایی توسط حاکم از یک نقطه به نقطه دیگر	مسجد، مصلی	معماری عملکردی و نه کالبدی بدون تزیینات	-
بصره	۱۴ ه.ق	پادگان نظامی	دارالاماره، مسجد، اقامتگاه فرمانده (شهر چهار گوش)	با مصالح کم‌دوام مثل نی و حصیر، بدون ساختمان	تخطیط
کوفه	۱۷ ه.ق	ابتدا پادگان نظامی و سپس پایتخت سیاسی	رحبه، سوق، مسجد، قصر (شهر چهار گوش)	با مصالح کم‌دوام مثل نی و حصیر، بدون ساختمان	تخطیط
فسطاط	۲۰ ه.ق	ابتدا پادگان نظامی و سپس پایتخت سیاسی	مسجد، خانه‌ها	با مصالح کم‌دوام مثل نی و حصیر، بدون ساختمان	تخطیط

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شهرهای ساخته شده در این دوره بیشتر از نوع پادگان‌های نظامی بودند که در مجاورت یک شهر قدیمی شکل گرفته، رشد کرده و به پایتخت تبدیل شده‌اند. در رابطه با شکل و ساختار شهر می‌توان گفت، دو شعار اساسی پیامبر (ص) تقسیم ثروت‌ها بین مردم و تعالی ارزش‌های انسانی بود. بررسی نمونه‌های موردی نشان می‌دهد، وجه اهمیت الگوی آرمان شهر اسلامی در تأثیر بر سازه‌های مادی شهر و عناصر اصلی کالبدی آن نیست. اقدام‌های بنیادین پیامبر که به تعبیری خالق عمیق‌ترین نمادهای شهر اسلامی است، به ایجاد شهری که نه تنها یک پولیس (شهر یونانی) که یک پولی آتیه (مرکز سیاست) است، مدد می‌رساند (هشام، ۱۳۷۲: ۲۳۸). این موضوع با بررسی مهم‌ترین عنصر شهر اسلامی یعنی مسجد به روشنی مشخص است. احداث مسجد به معنی ظهور یک مرکز مدنیت در مدینه، کوفه، بصره و فسطاط است. این مسجد مدت‌های مدید به صورت یک فضای شهری باقی مانده که در عهد بنی‌امیه در آن ساختمان بنا کردند. بعد کالبدی مساجد در این دوره بسیار کم‌رنگ بود و مساجد فقط فضاهایی باز و ساخته شده با مصالح کم‌دوام بودند اما به لحاظ کارکردی نقش فضای مدنی را در شهر ایفا می‌کردند.

استفاده از شیوه تخطیط در اختصاص فضا به افراد و قبیله‌ها نیز از ابداعات مسلمین است که در بی‌نظمی ظاهری این‌گونه شهرها منجر به شکل‌گیری نوعی از نظم شده است. برای شناخت دقیق‌تر این موضوع باید با ادبیات خطه و ساختار قلمرومدار در شهرهای اولیه اسلامی آشنا شد. خطه، واژه‌ای است که توسط اعراب در شهرهای اولیه مسلمانان برای توصیف محدود شهرها استفاده می‌شد. در زمان حال، در بین اندیشمندان این واژه به درستی شناخته نشده؛ بنابراین منجر به عدم شناسایی درست نحوه برنامه‌ریزی این شهرها شده است. روشن‌شدن این مفهوم منجر به روشن‌شدن ساختار این شهرها در گذشته می‌شود. استفاده‌کنندگان فضا مالک زمینی بودند که به راه‌ها، بن‌بست‌ها و فضاها تبدیل شد. خیابان‌ها مرز محلات بود. هر خطه شامل خطه‌های کوچک‌تر و هر خطه کوچک‌تر، خود به قسمت‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شده است. فضای شماره ۱ به فضاهای کوچک‌تری تقسیم شده است (A). زیر نظر قبیله‌های متعدد در این فضا زندگی می‌کردند که عمده برخی قسمت‌های آن خالی گذاشته شده است و هر کدام از این قلمروهای قبیله‌ای (B) شامل فضای کوچک‌تر و فضاهای اشتراکی می‌شود. (۲) هر کدام از این زیرتقسیم‌ها (B) شامل مالکیت‌های خصوصی متعددی می‌شود (C). فضای اشتراکی هر مالک (۳) روی دارایی خود کنترل دارد و عضوی از گروهی است که (B) را کنترل می‌کنند و مالکیت فضای اشتراکی را به عهده دارند. این‌ها به همراه (B)ها فضای اشتراکی بزرگ‌تر را کنترل می‌کنند و فضای شماره ۱ توسط کل گروه‌ها (A) کنترل می‌شود (Akbar, Jamel, ۱۹۹۰: ۲۲-۳۲).



تصویر ۶: ساختار خطه در شهرهای اولیه اسلامی (منبع: Akbar, Jamel, ۱۹۹۰: ۲۲-۳۲)

در شهرهای اولیه مسلمانان، همه تصمیمات توسط مردم گرفته می‌شد و هیچ دخالتی از سوی قدرت مرکزی وجود نداشت. فضاهای اشتراکی مثل خیابان‌ها و میدان‌ها در خطه مالکیت عمومی داشت و کنترل عمومی روی آن بود. درواقع شهر مجموعه‌ای از مالکیت‌های مجاور هم بوده که توسط استفاده‌کنندگان آن کنترل می‌شده است؛ درنتیجه مورفولوژی این شهرها هم از تصمیمات کوچک ساکنین منتج است (Akbar, Jamel, ۱۹۹۰: ۲۲-۳۲). تفاوت ساختاری عمده بین شهرهای معاصر و شهرهای اولیه این است که امروزه افراد مستقیماً بر فضاهای عمومی کنترل ندارند و فضای عمومی توسط سازمان‌های دولتی کنترل می‌شود. در شهرهای مدرن تفاوت بین قلمروها مشخص نیست درحالی‌که در شهرهای سنتی، سلسله‌مراتبی از قلمروها وجود داشته است. این سلسله‌مراتب بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی،

فرهنگی و سیاسی فضا اثرگذار بوده است؛ به‌طور مثال، نظافت و مدیریت فضای اشتراکی و عمومی قبلاً توسط مالکان فضا انجام می‌شده است، در حالی که در شهرهای جدید نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی این وظیفه را به عهده دارند.

شهرها به‌صورت ارگانیک ساخته شده ولی اصول خطه در همه رعایت شده است؛ بنابراین مشاهده می‌کنیم که بسیاری از شهرها شطرنجی نیست؛ ولی اصول سلسله‌مراتب، قلمرو و نظم در آن رعایت شده است. جعیط هشام با صحه گذاشتن بر منشاء عربی - اسلامی شهرهای نوبنیاد عنوان می‌کند اگر اعراب بدوی طرح‌های اصیلی از شهرنشینی در ذهن خود نداشتند، چگونه به این راحتی زندگی شهری را به این نظم پذیرفته‌اند؟ (هشام، ۱۳۷۲: ۱۵۵). او در عین حال، تأثیر تمدن‌های کهن ایرانی - یونانی را بر شهر اسلامی انکار نمی‌کند. به‌طور مثال، کوفه به‌عنوان شهری باز، هندسی، وسیع و هواگیر با الهام از الگوهای یونانی شکل گرفته است. از نظر او، شباهت شهر اسلامی دوران اولیه با شهر شرقی بیشتر از جهت فکر تهیه نقشه برای شهر، مصالح به‌کاررفته، ویژگی‌های هندسی بودن راه‌ها و وجود مرکز سیاسی - مذهبی است نه معابر و کوچه‌های پیچ‌درپیچ، حصار، خانه‌ها و بازارهای رنگ‌به‌رنگ. در واقع پیوند با شرق نه آزادی و نه آگاهانه بوده است (هشام، ۱۳۷۲: ۱۹۲).

علاوه‌براین، شیوه تخطیط و رویکرد پیامبر در رابطه با استفاده از زمین با استناد به آیه «لاحمی‌ اللّٰه و رسوله» و بیان «حمی»، نشان داده شده است. تخطیط، رابطه مالکیت‌های خصوصی با تأسیسات و خدمات عمومی شهر را به روشنی مشخص می‌کند؛ به‌طوری‌که دفع زیان و جلب منفعت به‌عنوان محور اصلی نخستین فعالیت‌های شهری قرار داشته است و همه اعضای جامعه نسبت به فضاهای عمومی آن مسئولیت و وظیفه دارند؛ بنابراین آنچه در این دوران قابل ملاحظه است، توجه به شهر و اجزای آن به‌عنوان نهادهای مدنی و مردمی است نه فضاهای کالبدی صرف. آنچه بیشتر اهمیت دارد، کیفیت فضاهاست و کالبد در درجات بعدی قرار دارد. اهمیت کیفیت عملکردی و معانی از ساختار شهر که به‌صورت خطه‌ای و قبیله‌ای بر اعطای حق مالکیت خصوصی و عمومی متمرکز است، تا مهم‌ترین عنصر شهر اسلامی یعنی مسجد نیز نمود می‌یابد.

نتیجه‌گیری

شناخت ویژگی‌های شهر اسلامی و دستیابی به الگویی برای بازنشر آن، به لحاظ نظری و تاریخی نیازمند ریشه‌یابی موضوع است. شهرهایی که به دست پیامبر (ص) به‌عنوان اولین شهرهای اسلامی پایه‌گذاری شده‌اند، می‌توانند الگوی بسیار مناسبی جهت بررسی و پژوهش باشند؛ چراکه اصول اولیه اسلام بدون هیچ‌گونه تغییر و تحریفی در این شهرها، رعایت شده است. این مطالعه با بررسی متون تاریخی در رابطه با ویژگی شهرهای نخستین اسلام در زمان پیامبر (ص) و چند سال پس از فوت ایشان، تلاش داشت تا به این ویژگی‌ها دست یابد. هرچند به دلیل کم بودن منابع تاریخی از آن زمان محدودیت اطلاعات وجود دارد و جمع‌بندی‌ها با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها صورت گرفته است. استفاده از شیوه تخطیط در تقسیم فضاها به شکل‌گیری نظم پنهان در شهرهای اسلامی منجر شده است. این مسئله با سطوح عملکردی و اصل قلمرو در ادبیات برنامه‌ریزی و طراحی شهری متناسب است. این اصل منجر به شکل‌گیری سلسله‌مراتبی عملکردی و کالبدی شهر شده است. به‌طوری‌که در سطوح مختلف از شهر تا محله و حتی یک کوچه مسکونی، شیوه مواجهه کالبدی و عملکردی و حتی مشارکت مردمی در مدیریت فضا متفاوت بوده است. علاوه‌براین، نتیجه مطالعات نشان می‌دهد، در نگاه پیامبر شهر چیزی فراتر از کالبد آن است و انسان‌های ساکن در شهر در

شکل‌دهی به شهر از اهمیت بالاتری برخوردارند. این موضوع حتی در مسجد به عنوان نخستین و مهم‌ترین پایگاه اسلام در تمامی شهرهای یادشده، نیز نمایان است؛ به‌طوری‌که مطالعات نشان می‌دهد، مسجد دارای کالبد و ساختمان شاخصی نبوده و بیش‌تر قصد از مسجد و بنا ساختن آن دستیابی به فضایی برای حضور مسلمانان و برگزاری مراسم مذهبی و سیاسی است. در واقع مسجد نقش فضای شهری را ایفا کرده و تمامی انتظارات و توقعات از یک فضای شهری در قالب عملکردهای این فضا پاسخ داده شده است. همچنین مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها چه در انتخاب مکان قرارگیری مسجد و چه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و حتی در اجرای تصمیمات، در تمامی شهرها مشاهده می‌شود و این موضوع کنترل و مدیریت فضا را در سطوح مختلف آسان می‌کند.

بنابراین آنچه به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت، وجود نظم در عین نبود شهرهای منظم شطرنجی است. شهر اسلامی را نمی‌توان با جستجو در ظواهر آن شناخت و تلاش‌های پیامبر(ص) نیز در جهت تحقق و بنیان‌گذاری شهر اسلامی بیشتر معطوف به ویژگی‌های ساختاری و معنایی شهر است تا تمامی شهروندان و استفاده‌کنندگان از شهر بتوانند به نیازهای خود پاسخ دهند.



منابع

کتاب‌ها

- احمدی و عارف اقوامی مقدم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۴). آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: انتشارات معشر.
- جعیط، هشام. (۱۳۷۲). کوفه پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابولحسن سروقد مقدم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- حبیبی، محسن. (۱۳۸۳). از شار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حکیم، بسیم سلیم. (۱۳۸۳). نقش عرف در تشکیل شهر اسلامی، تاریخ شهرنشینی در اسلام، جلد دوم، ترجمه مهدی افشار، تهران: مرکز پژوهش‌های فرهنگی.
- حموی، یاقوت. (بی تا). معجم البلدان، بیروت: دارصادر.
- عثمان، محمد عبدالستار. (۱۳۷۶). مدینه اسلامی؛ ترجمه علی چراغی؛ تهران: امیرکبیر.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار، چاپ سوم، ج ۳۹، بیروت: موسسه الوفا.
- مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. (۱۳۶۷). دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- نجفی، سید محمد باقر. (۱۳۶۴). مدینه‌شناسی، تهران: مشعر.

مقالات:

- آذرنیوشه، عباسعلی. (۱۳۹۲). «جنبش شهرسازی در سده‌های نخستین خلافت اسلامی»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۱۱، ۱۱۳.
- اسماعیلی، مهران. (۱۳۹۷). «دهستان یثرب/مدینه در دوره پیامبر بر پایه شواهد و قراین سده‌های نخست هجری»، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۲۷، ۳.
- جان احمدی، فاطمه؛ محمدپور، محمد. (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر گسترش شهری فسطاط تا تأسیس قاهره»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، شماره ۲، ۲۶۱.
- جعفری، یعقوب. (۱۳۷۱). «نام‌های شهر مکه»، فصلنامه علمی-ترویجی میقات الحج، شماره ۲، ۲۲۲-۲۰۵.
- حجتی، سید محمد باقر. (۱۳۷۷). «مسجد نبوی در گذر تاریخ»، مجله میقات حج، شماره ۲۵، ۱۳۷-۱۱۹.
- حکیم، بسیم سلیم. (۱۳۸۱). شهرهای عربی اسلامی، اصول شهرسازی و ساختمانی، ترجمه محمدحسین ملک.
- سجادزاده، حسن؛ موسوی، سیده الهام. (۱۳۹۳). «ابعاد چیستی‌شناسی و هستی‌شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی»، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۶، ۱۷-۵.
- کریمی، اسلام. (۱۳۹۵). «شریعت - شهر اسلامی»، فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، شماره ۲، ۴۴-۲۵.
- عرفانی، جواد؛ نویدپور، محمدرضا. (۱۳۸۷). «تأملی بر مفهوم شهر اسلامی در شهرهای نوبنیاد سده‌های آغازین اسلامی»، هفت شهر، شماره ۲۵ و ۲۶، ۹۱-۷۲.
- فراهانی، مریم؛ رفیعیان، مجتبی. (۱۴۰۰). «شهرسازی ایلخانی؛ «تجلی‌گاه» اولین فضاها عمومی بزرگ مقیاس هندسی در شهرهای ایرانی-اسلامی»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی هنر اسلامی، شماره ۱۸، ۴۱.

فرجام، رسول؛ سلیمانی مقدم، هادی و چاوشی، اسماعیل. (۱۳۹۰). «مفهوم اجتماعی شهر از منظر متون و تعالیم اسلامی». برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۱(۲)، ۴۰-۲۷.

ناصری، فرناز؛ شهبازی، مجید و ثبوتی، هومن. (۱۳۹۹). «بازآفرینی محلات شهر زنجان در تطبیق با شاخصه‌های شهر ایرانی اسلامی (نمونه موردی محلات حسینییه و نایب آقا)»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۴۰، ۱۷.

نشریه، مدیر و عبدالکریمی، شهین. (۱۳۹۵). «عناصر بصری رویدادهای زندگی پیامبر اسلام (ص) در نگاره‌های جامع التواریخ»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۲، ۲۵.

منابع لاتین:

Akbar, J. (۱۹۹۰). "Khatta and the Territorial Structure of Early Muslim Towns", Muqarnas, pp. ۲۲-۳۲.

Kubiak, W. (۱۹۸۷). "Al-Fustat, Its Foundation and Early Urban Development", Cairo: American University Press, pp. ۵۸-۷۵.

Preziosi, D. (۱۹۹۱). "The Mechanisms of Urban Meaning, in Bierman", Abou-El-Haj, and Preziosi, Eds. "The Ottoman city and its parts: urban structure and social order".

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی